



Comparative Commentary researches
Vol.3, no.2, Autumn and Winter 2017, Ser. no.6
(pp. 255-268)
DOI: PTT-1712-1278

پژوهش‌های تفسیر تطبیقی

سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶،
شماره پیاپی ۶ (صفحات ۲۵۵-۲۶۸)

A Comparative Analysis of Holy Prophet's "Sin" and "Asking Pardon of God" Mentioned in the Holy Quran in Ayatollah Ma'refat and Fakhr Razi's View

Mojtaba Nouroozi¹

Amir Alipoor²

(Received: 17/04/2017; Accepted: 13/08/2017)

Abstract

Commentators and researchers of the Holy Quran have long studied infallibility as an important theological subject. The attribution of "sin and asking pardon of God" to the Holy Prophet of Islam which is mentioned in several verses of the Holy Quran is related to his infallibility. The present paper seeks to compare and criticize the views of Ayatollah Ma'refat, as a representative of Imamiyyah exegetic school, and Fakhr Razi, as a representative of Ash'arite exegetic school, in this regard. The findings show that Ayatollah Ma'refat argues for Holy Prophet's infallibility during all his life, and regards "sin" a social sin, and "asking pardon of God" by Holy Prophets as his need for growth, perfection, and enjoying divine help, while Fakhr Razi, in his analysis, relates infallibility of Holy Prophet to the time after his prophecy and sin to the time before it. The paper regards such cases as believers' sin, avoidance of the better deed, and permissible minor sin as the some possible answers.

Key words: sin, asking the pardon of God, infallibility, Holy Prophet (peace be upon him and his progeny), Ayatollah Ma'refat, Fakhr Razi.

¹ Assistant professor of University of sciences of the Holy Quran, Mashhad, Mojtabanaruzi@gmail.com

² Corresponding author, MA student of Quran's instructor training college, Mashhad, Alipoor.rt@gmail.com



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Comparative Commentary researches
Vol.3, no.2, Autumn and Winter 2017, Ser. no.6
(pp. 257-268)
DOI: PTT-1712-1278

پژوهش‌های تفسیر تطبیقی

سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶،
شماره پیاپی ۶ (صفحات ۲۵۷-۲۶۸)

بررسی تطبیقی «ذنب» و «استغفار» پیامبر اکرم (ص) در قرآن از نظر آیت الله معرفت و فخر رازی

مجتبی نوروزی^۱

امیر علی پور^۲

(تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۲۷)

چکیده

عصمت یکی از مباحث مهم کلامی است که از دیرباز مورد توجه مفسران و قرآن‌پژوهان بوده است. یکی از مباحث مربوط به عصمت پیامبرگرمی اسلام (ص)، انتساب «ذنب و استغفار» به آن حضرت است که در آیات متعددی از قرآن ملاحظه می‌شود. این نوشتار درصدد است تا آراء آیت الله معرفت و فخر رازی، یکی به نمایندگی مکتب تفسیری امامیه و دیگری به نمایندگی مکتب تفسیری اشاعره را مقایسه و نقد کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، آیت الله معرفت عصمت را برای تمام دوران زندگی پیامبر اکرم (ص) ثابت می‌کند و «ذنب» را گناه اجتماعی و استغفار پیامبر (ص) را نیاز ایشان به رشد و بالندگی و بهره‌مندی از امدادهای الهی می‌داند؛ اما فخر رازی در تحلیل خود عصمت را به دوران بعد از نبوت و ذنب را به پیش از نبوت مربوط می‌شمارد. در این نوشتار مواردی چون گناه مؤمنین، ترک عمل اولی و گناه صغیره جایز در پاسخ از وجوه محتمل بر شمرده شده است.

کلیدواژگان: ذنب، استغفار، عصمت، پیامبر (ص)، معرفت، فخر رازی

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم مشهد - Mojtabanaruzi@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد (نویسنده مسئول) - Alipour.rt@gmail.com

۱. مقدمه

از مهم‌ترین و اساسی‌ترین موضوعاتی که از دیرباز در نزد دانشمندان اسلامی مورد بحث قرار گرفته، عصمت انبیاء(ع) بوده است. عصمت پیامبران، زیربنای اعتقادی به شمار می‌رود؛ چون، باعث اطمینان مردم و حسن اعتماد آنها به پیامبران در دریافت پیام الهی می‌شود. آیاتی در قرآن کریم وجود دارد که برخی با تمسک به آنها عصمت پیامبران، به ویژه پیامبر اکرم(ص) را مورد تردید قرار می‌دهند که از این آیات به «آیات موهم عدم عصمت» یاد می‌شود که آیات حاوی انتساب «ذنب» و «استغفار» به رسول خدا(ص) از آن جمله است. در این پژوهش، آیات حاوی چنین انتسابی از دیدگاه دو مفسر بررسی می‌شود و تأثیر پیش‌فرض‌های کلامی آن دو در تفسیرشان از این آیات تبیین می‌گردد.

۲. مبانی دو مفسر در زمینه عصمت پیامبر(ص)

نظر به این که مبنای کلامی آیت الله معرفت به نمایندگی از امامیه از مبنای کلامی فخر رازی به نمایندگی از اشاعره فرق دارد و این تفاوت مبنا در تفسیر آن دو در آیات مورد بحث تأثیرگذار است، شایسته می‌نماید که نخست، به مبنای کلامی هریک مروی صورت بگیرد.

۱.۲. مبنای فخر رازی در زمینه عصمت پیامبران

متکلمان اشعری از جمله فخر رازی در زمینه عصمت انبیاء و از جمله عصمت پیامبر اسلام(ص) معتقدند، گناه برای پیامبران قبل و بعد از نبوتشان جایز است و فرقی میان کبیره یا صغیره ندارد. آنها بر این باورند که پیامبر(ص) نیازی به عصمت در قبل از نبوت خود ندارد(تفتازانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۲۹-۳۳۴). فخر رازی (ت ۶۰۶ق) نیز دارای چنین اعتقادی است(فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۴۲۹). او معتقد است، پیامبران به عمد گناه کبیره انجام نمی‌دهند؛ اما ممکن است، به سهو مرتکب آن بشوند و در مورد گناه صغیره عمدی هم در زمان نبوت نیز چنین نظری دارد. وی هم چنین در تفسیرش بیان می‌کند، انبیاء در صدور گناه

صغیره به سهو مانند مردم عادی هستند و از این جهت تفاوتی با آنها ندارند (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳، ص ۲۴۱). استدلال وی بر چنین عقیده ای، افعال برادران حضرت یوسف(ع) است. به باور او برادران حضرت یوسف(ع) از انبیاء بودند. رازی معتقد است: «اگر پیامبری در شرایطی نادر پیش از نبوت، گناه کبیره ای انجام دهد و بعد توبه نماید و آن مورد پذیرش مردمان قرار گیرد، اشکالی در نبوت او پدید نمی آورد؛ اما اگر پیش از نبوت به سبب انجام گناهان شهرت یافته باشد، نبوت او مخدوش می شود (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۴۵۶).

وی در مورد پیامبرگرمی اسلام(ص) در تفسیر خود می نویسد، ایشان را زمانی می توان معصوم از خطا دانست که خداوند داعی او به اطاعت و پرهیز از معصیت باشد و آن را در وجود ایشان نهادینه کرده باشد؛ طوری که بر اثر این داعی از گناه دوری کند؛ از این رو پیامبر(ص) بر اساس همین داعی عمل می کند و آن زمان می توان گفت که ایشان معصوم است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۴۳۹).

به باور او، اگر از پیامبری گناهی صادر شود، صدور آن گناه بر داعی مرجح نخواهد بود؛ چرا که او اختیاری ندارد و خداوند از ابتدا داعی مرجح را در فعل و عمل او قرار نداده است؛ از همین رو هر پیامبری مجبور به اطاعت است؛ اما مجبور به ارتکاب گناه نیست. او عصمت را نوعی اجبار و حقیقت آن را نوعی جبر می داند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۴۳۹).

فخر رازی از جمله مفسران اهل سنتی است که گناه کبیره پیش از نبوت را برای پیامبران جایز می داند. وی برای تأیید مدعای خود به افعال برادران حضرت یوسف(ع) استناد می کند. رازی عصمت را طبق آنچه اسلافشان بیان کرده اند، امری مولوی دانسته و آن را منحصر به زمان نبوت می داند؛ اما عصمت پیش از نبوت را از مدلول آیات خارج می داند و دلیل وی برای عدم عصمت پیامبر اسلام(ص) پیش از نبوت، آیات ۲ سوره فتح و سوره انشراح است (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۴۵۶).

۲.۲. مبنای آیت الله معرفت درباره عصمت پیا مبران

آیت الله معرفت عصمت را حالتی درونی می‌داند که باعث می‌شود، شخص از گناه دوری کند و از ارتکاب باز ایستد. این حالت درونی در مقابل هر پلیدی پایداری می‌کند و اجازه نمی‌دهد، روح لطیف او دچار اذیت و آزار شود. عصمت باعث می‌شود، تمیز و تفکیک حسن و قبح برای معصوم آسان گردد (معرفت، ۱۳۸۸، ص ۲۵).

ملکه عصمت یک حالت درونی است که شخص به صورت اکتسابی به دست می‌آورد. عصمت هرگز جنبه اجباری ندارد و آن تنها با کوشش و مجاهدت، تداوم و مبارزه با هوای نفس در طول زندگی انسان به دست می‌آید (معرفت، ۱۳۸۸، ص ۲۵)؛ چنان که خداوند می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنکبوت/۶۹)؛ و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راههای خود را بر آنان می‌نمایم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است» یا می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (نجم/۳۹)؛ و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست».

امام حسن عسکری (ع) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ وَجَدَ قَلْبَ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ الْقُلُوبِ وَأَوْعَاها فَأَخْتَارَهُ لِنَبِيِّهِ؛ خداوند عقل (شخصیت باطنی) پیغمبر (ص) را کامل‌ترین و مهیاترین عقل‌ها یافت، آن‌گاه ایشان را برای نبوت انتخاب کرد». (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۶-۲۰۷)

آیت الله معرفت، مانند دیگر علمای امامیه، بر این نظر است که عصمت از زمان تولد برای انبیاء بوده است. حضرت علی (ع) در خطبه قاصعه در خصوص دوران پیش از بعثت پیامبر (ص) این گونه توضیح می‌دهد: «... از همان لحظه‌ای که پیامبر (ص) را از شیر گرفتند، خداوند بزرگترین فرشته خود (جبرئیل) را مأمور تربیت پیامبر (ص) کرد تا شب و روز او را به راه‌های بزرگواری و راستی و اخلاق نیکو راهنمایی کند». (شریف الرضی ۴۰۶ق، ص ۲۲۲).

علامه حلی عصمت پیامبر (ص) را قبل و بعد از نبوت یکسان می‌داند و برای مدعای خود به این آیه استناد می‌کند که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (حجرات/۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید،

اگر فاسقی برایتان خبری آورد، نیک واری کنید؛ مبدا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد،] از آنچه کرده‌اید پشیمان شوید».

این آیه تصریح می‌کند، هر فاسقی گفتارش به محض بیان غیرقابل قبول است و گفتار کسی مورد پذیرش است که فاسق نباشد؛ بنابراین اگر پیامبری مرتکب گناهان صغیره یا کبیره شود، دیگر دل‌ها و قلوب به او روی نمی‌آورند و فسق ایشان باعث تنفر مردم از ایشان می‌شود. (حلی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۷۵).

هم‌چنین در قرآن کریم خداوند متعال درباره حضرت موسی(ع) می‌فرماید: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَلَاتِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (قصص / ۷)؛ و به مادر موسی وحی کردیم که: "او را شیر ده و چون بر او بیمناک شدی، او را در نیل بینداز، و مترس و اندوه مدار که ما او را به تو بازمی‌گردانیم و از [زمره] پیمبران قرار می‌دهیم"».

از این روی عصمت برای پیامبران امری لازم و ضروری است؛ زیرا اگر پیامبران سوء سابقه داشته باشند و گذشته خود را با اعمال ناپسند و قبیح انجام داده باشند، موقعیت خود را در دل مردم متزلزل خواهند ساخت و یک نوع بدگمانی و سوء ظن در دل افراد ایجاد خواهد شد. (نعمانی، ۱۳۸۲، ص ۸).

۳. مقایسه تفسیر دو مفسر درباره مفهوم «ذنب» و «استغفار» در آیات قرآن

اینک آیاتی بررسی می‌گردد که واژه «ذنب» و «استغفار» در آنها به کار رفته و حاکی از ارتکاب گناه از سوی پیامبر اسلام(ص) است. در این بررسی دیدگاه دو مفسر گزارش و نقد می‌شود.

۳.۱. بررسی دلالت آیه ۲ سورة فتح از نگاه دو مفسر

متن آیه ۲ از سورة فتح چنین است: «لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا؛ تا خداوند از گناه گذشته و آینده تو درگذرد و نعمت خود را بر تو تمام گرداند و تو را به راهی راست هدایت کند».

همان طور که گفته شد، آیه مزبور از مهم‌ترین آیات مورد استناد مدعیان عدم عصمت پیامبر(ص) است. شبهه ای که درباره این آیه مطرح شده، این است که پیامبر(ص) قبل و بعد از نزول این آیه و تا هنگام فتح مکه مرتکب گناهی شده و خداوند متعال همه آنها را بخشیده است. فخر رازی معتقد است، نشانه ارتکاب گناه از سوی شخص پیامبر(ص) وجود طلب مغفرت و استغفار ایشان در طول شبانه روز است. او می‌نویسد: «شخص زمانی از خداوند به طلب استغفار و آمرزش می‌پردازد که مرتکب گناهی شده باشد؛ در نتیجه استغفار ایشان، این پیام را به همراه دارد که ایشان مرتکب گناه شده است». (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸، ص ۶۵).

آیت الله معرفت معتقد است، در آیه، واژه «ذنب» در معنای رایج آن به معنای گناه و عصیان و معصیت پروردگار نیست و این برداشت حاصل از توجه به سیاق آیه و شأن نزول آن است. در این آیه گناه مطرح شده به معنای گناه اجتماعی است و پیامبر(ص) به مثابه یک مصلح، ظهور نموده بود تا جامعه را از چیزهای پوچ و باطل رهایی بخشد و ارزش‌های اجتماعی را که تا آن روز مطرح نبود و جامعه به آن نیاز داشت، آشکار کند. هر مصلحی با نهضت خود دگرگونی‌هایی در ارزش‌ها ایجاد می‌کند و آنچه را در منظر مشرکان ارزشمند بوده، بی‌ارزشی و آنچه را که تا آن زمان بی‌ارزش بوده است، ارزشمند معرفی نماید. پیامبر اکرم(ص) آنچه را تا آن زمان در نظر مشرکان ارزشمند بود، از بین برد و آنها را متوجه ساخت که در اشتباه به سر می‌برند؛ لذا مراد از «ذنب» در آیه مورد بحث، مخالفت آن حضرت با رفتار و عادت و اخلاق کفار و مشرکین بود که از منظر آنها گناه بزرگی به شمار می‌رفت و آنها پیامبر(ص) را مستحق عقوبت می‌دانستند. این حرکت برای پیامبرگرامی اسلام(ص) سخت بود تا این که خداوند زمینه ساز این حرکت شد و فتح(صلح حدیبیه که منجر به فتح مکه شد) را نصیب ایشان گردانید و با این وسیله شوکت و بنیه قریش را گرفت و مشرکین به اسلام گرویدند و پی بردند که پیامبر(ص) حق را بیان می‌کند و در استناد گناه نسبت به آن حضرت دچار اشتباه شده بودند. (معرفت، ۱۳۷۴، ص ۱۴۳-۱۴۵).

جمله «لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ» به گناهی خاص که پیامبر(ص) خود آن را مرتکب شده باشند، دلالت ندارد؛ بلکه به فعلی دلالت دارد که از نظر اجتماعی ناپسند محسوب می‌شود. (معرفت، ۱۳۷۴، ص ۱۴۶) به تعبیر علامه طباطبایی منظور از گناهان گذشته، تبعات و آثار دعوت پیامبر(ص) بود که برای قریش به وجود می‌آورد و گناهان آینده یعنی خون‌هایی که بعد از هجرت از قریش ریخته شد و معنای این که خدا آن را مورد مغفرت قرار داد، آن است که خداوند آن خون‌ها را با تضعیف بنیة قریش پوشاند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۸۰-۳۸۳).

درباره این آیه از امام رضا(ع) نقل است که فرمود: «از نظر مشرکین مگه، کسی در آن روزگار، گناهکارتر و خطاکارتر از رسول خدا(ص) نبود؛ زیرا مشرکین تا قبل از بعثت آن حضرت سیصد و شصت بت را می‌پرستند و لذا دعوت پیامبر(ص) به خدای یگانه و شعار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بر آنان گران آمد و بر آنان عجیب بود که چطور امکان دارد، فردی فقط یک خدا را بپرستد؟ آنان بر این باور بودند که پیامبر(ص) جز افترا و دروغ چیز دیگری نمی‌گوید؛ لذا خداوند عز و جل فتح مگه را نصیب ایشان کرد تا آنچه را که در تفکر آنها قبل و بعد از دعوت به توحید، گناه می‌پنداشتند، از بین ببرد؛ از این رو، دیگر نتوانستند هنگام دعوت مردم به توحید از ایشان ایراد بگیرند. (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۶۰؛ معرفت، ۱۳۷۴ش، ص ۱۴۷).

۳.۲. بررسی مدلول آیه ۵۵ سورة غافر

آیه دیگری که در آن شبهه وجود دارد، آیه ۵۵ از سورة غافر است. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعِشِيِّ وَالْإِبْكَارِ؛ پس صبر کن که وعده خدا حق است و برای گناهات آمرزش بخواه و به سپاس پروردگارت، شامگاهان و بامدادان ستایشگر باش.»

فخر رازی معتقد است، استغفار زمانی انجام می‌شود که از فرد خطا و گناهی سرزده باشد. او برای تأیید این باور، به حدیثی از پیامبر(ص) استناد می‌کند که حضرت فرمود: «إِنِّي

لَا تَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ سَبْعِينَ مَرَّةً» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۰، ص ۱۸۳) این بیان به صراحت نشان دهنده این است که پیامبر (ص) مرتکب گناه صغیره در افعال فردی و شخصی شده است. البته ترک عمل اولی یا تواضع نیز قابل حمل است. شاهد حمل بر تواضع آیه ای است که در پی می آید: «قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (اعراف/۲۳)؛ گفتند: پروردگارا، ما بر خویشتن ستم کردیم، و اگر بر ما نبخشایی و به ما رحم نکنی، مسلماً از زیانکاران خواهیم بود».

نیز می توان گفت، در کلام تقدیری نهفته است؛ این چنین: «إِذَا أَذْنِبْتَ فَاسْتَغْفِرْهُ؛ هرگاه گناه کردی، از خداوند طلب آمرزش کن». نظیر آن این آیه است که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَكْفِرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (تحریم/۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، به درگاه خدا توبه ای راستین کنید، امید است که پروردگارتان بدیهیتان را از شما بزداید و شما را به باغهایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است درآورد».

در این آیه منظور این نیست که همه مؤمنان گناهکارند. پیامبر (ص) آمده است تا راه را بر مردم نشان دهد که اگر مؤمنان گناه کنند، توبه نمایند. (فخر رازی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۳۹)

آیت الله معرفت معتقد است، این آیه دستوری برای عموم مسلمانان است. خداوند متعال به همه بندگان خود دستور می دهد، از همه گناهان استغفار کنند و استغفار واجب و عبادت است. در واقع دستور خدای متعال از باب «إِيَّاكَ أَعْنِي وَاسْمَعِي يَا جَارَه» است. این دستور را ابتدا به پیامبر اکرم (ص) می دهد تا همه مردم از ایشان که به عنوان الگوی کامل انسانی معرفی شده اند، درس بگیرند و زندگی خود بر مبنای آن پی ریزی کنند. هم چنین در این آیه دستور می دهد، برای این که دعای شما زودتر به اجابت برسد و طلب استغفار برای دیگران هم صورت گرفته باشد، خود استغفار کنید که این عمل باعث می شود، عنایت خداوند به بنده جلب شود. خطاب های بسیاری در قرآن کریم وجود دارد که در نگاه اول و برحسب ظاهر مخاطب اصلی آن شخص پیامبر (ص) است؛ اما در واقع عموم مسلمانان مورد خطاب هستند.

بررسی تطبیقی «ذنب» و «استغفار» پیامبر اکرم(ص) در قرآن از نظر آیت الله معرفت و فخر رازی | ۲۶۵

برای مثال، در سورهٔ اسراء، سورهٔ عنکبوت خداوند خطاب به پیامبر(ص) نیکی و احسان نسبت به پدر و مادر را سفارش می‌کند و حال آن که پیامبر(ص) در ایام کودکی والدین خود را از دست داده بودند؛ لذا این حکم خطاب به جمیع مسلمین تلقی می‌شود. (معرفت، ۱۳۷۴، ص ۱۴۹)

گناه اولیاء الهی عبارت از کوتاهی کردن در انجام وظیفهٔ بندگی است؛ چرا که شرط بندگی آن است که انسان به همان اندازه که عظمت و بزرگی خدای خویش را دریافت، شایسته است، معادل آن حق بندگی را به جای آورد. چنین فردی دیگر نمی‌تواند ادعا کند، من به درک کاملی از خدای خویش رسیده‌ام و وظیفهٔ خود را در برابر شکر نعمت‌های او به جای آورده‌ام. (معرفت، ۱۳۷۴، ص ۱۴۹).

طبق برخی آیات قرآن کریم، پیامبران جزء مخلصین بودند و کسی که جزء مخلصین باشد، مرتکب گناه نمی‌شود؛ از این روی، در این گونه موارد باید گناه را به معنای دیگری حمل کرد. پیامبران غفلت‌های خود را در امور روزانه مثل، خوردن و آشامیدن، حل و فصل مسائل اجتماعی و... گناه به حساب می‌آورند و از آن استغفار می‌کنند. بر همین اساس پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «حَسَنَاتُ الْأَبْرَارِ سَيِّئَاتُ الْمُقَرَّبِينَ» (الاریلی، ۱۴۰۱ق، ص ۴۵).

۳.۳. بررسی مدلول آیه ۱۹ سورهٔ محمد

سومین آیه ای که عصمت پیامبر اکرم(ص) را مورد سؤال قرار می‌دهد، آیه ۱۹ سورهٔ محمد است. آنجا که آمده است: «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ؛ پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست و برای گناه خویش آمرزش جوی و برای مردان و زنان با ایمان [طلب مغفرت کن] و خداست که فرجام و مآل [هر يك از] شما را می‌داند».

فخر رازی در ذیل عبارت «وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ» برای آن چند وجه ذکر می‌کند و از بین این وجوه به نظر خودش یک وجه را بر دو مورد دیگر ترجیح می‌دهد و آن این است که مراد از آن توفیق یافتن عمل نیک و دوری کردن از عمل بد است. استغفار در این آیه به معنی طلب

آمرزشی که زشتی‌ها را بپوشاند و او را از زشتی‌های نفس‌نگه دارد. فخر رازی می‌نویسد: «(احوال پیامبر(ص) سه گونه بود: گاهی در احوال خود همراه خدا بود، گاهی همراه مردم و اوقاتی را هم همراه چیزهای دیگر سپری می‌کرد؛ اما هنگامی که همراه با خداوند بود، ستایش خدای یکتا را به جای می‌آورد و هنگامی که همراه مردم برای آنها استغفار می‌کرد.» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸، ص ۵۲).

طبق دیدگاه آیت الله معرفت، استغفار جنبه عمومی دارد و یک نوع عمل عبادی محسوب می‌شود و پیامبر(ص) از باب این که مسلمانان از او الگو بگیرند، برای مؤمنان استغفار کرده است. (معرفت، ۱۳۷۴، ص ۱۴۹).

۴. نتایج

نتایجی که در این پژوهش حاصل آمد، از این قرار است:

۱. اختلاف نظر این دو مفسر در بعضی از مبانی کلامی، موجب تفاوت در آراء تفسیری و فهم آنها از آیات شده است. از جمله این موارد می‌توان به توجه و عدم توجه به سیاق آیات، یعنی آیات قبل و بعد و نیز توجه به نقش آیات محکم در تفسیر آیات متشابه اشاره کرد.

۲. فخر رازی عصمت را فقط برای بعد از نبوت انبیاء روا می‌دارد و آیات موهم عدم عصمت را که در آنها واژه‌های «ذنب و استغفار» به کار رفته است، به گناه پیش از نبوت مربوط می‌داند. با این حال باز هم وی وجوهی از جمله گناه مؤمنین، ترک عمل اولی و گناه صغیره را ذکر می‌کند.

۳. آیت الله معرفت طبق دیدگاه شیعه عصمت را چه قبل و بعد از نبوت برای پیامبر(ص) ضروری می‌داند و کاربرد «ذنب» در آیات مربوط به پیامبر(ص) را گناه از نظر مردم محسوب می‌کند. خدا چنین گناهایی از پیامبر(ص) را مورد مغفرت قرار می‌دهد.

۴. آیت الله معرفت معتقد است، ما نباید گناه را همیشه به معنی عصیان بگیریم؛ بلکه گاهی به معنی کوتاهی کردن در انجام وظایف بندگی است که این مورد مربوط به اولیاء الهی می‌شود. از این روی پیامبر(ص) به خاطر این که از امدادهای الهی در هر زمانی بهره‌مند شود،

خود را نیازمند چنین استغفاری می‌دانست و لذا استغفار ایشان و دیگر انبیای الهی منافی با عصمت نیست.

۵. منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دارالقرآن الکریم.
۲. ابن فارس، احمد بن ذکریا (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبد السلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام و الاسلامی.
۳. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق)، لسان العرب، علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۴. ابن بابویه قمی، محمد علی بن حسین (۱۳۷۸)، عیون أخبار الرضا(ع)، قم، الشریف الرضی.
۵. الاربلی، علی بن عیسی (۱۴۰۱ق)، کشف الغمة معرفة الأئمة، بیروت، دار الکتب الإسلامی.
۶. ابراهیم و مصطفی و دیگران (۱۳۲۷ق)، معجم الوسیط، تهران، مکتبة المرتضی.
۷. اردکانیان، زهرا (۱۳۸۸)، رویکرد عرفانی به گناه با تأکید بر صحیفه سجادیه، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، رشته عرفان اسلامی.
۸. تفتازانی، سعد الدین (۱۴۱۲ق)، شرح المقاصد، قم، منشورات الشریف الرضی.
۹. جواد پور، غلامحسین (۱۳۸۹)، «سنجش و سازش عقل و ایمان از منظر فخر رازی»، اندیشه نوین دینی، شماره ۲۰.
۱۰. حلّی، حسن بن یوسف (۱۳۶۵)، الباب الحادی عشر، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالقلم.
۱۲. روحی برندق، کاوس (۱۳۹۴)، «تحلیل و نقد برون رفت های کلامی از ناسازگاری عصمت و استغفار رسول خدا(ص) در حدیث لیغان»، اندیشه نوین دینی، شماره ۴۱.
۱۳. رحیم اف، افضل الدین (۱۳۸۹)، «بررسی مسأله عصمت انبیاء از دیدگاه شیخ طوسی و فخر الدین رازی»، مجله پژوهشنامه فلسفه و حکمت (طلوع نور سابق)، شماره ۳۲.
۱۴. سید رضی، محمد بن حسین، (بی تا)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات دارالهجره.
۱۵. سید مرتضی، علی بن حسین، (۱۲۵۰ق)، تنزیه الأنبياء والأئمة(ع)، قم، انتشارات الشریف الرضی.
۱۶. _____ (۱۳۸۷)، تنزیه الأنبياء؛ پژوهشی قرآنی درباره عصمت پیامبران و امامان(ع)، ترجمه امیر سلمانی رحیمی، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۷. طیب حسینی، سید محمود (۱۳۹۰)، درآمدی بر دانش مفردات قرآن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.

۱۸. طباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. فخررازی، فخرالدین، محمد بن عمر (۱۹۸۶م)، الأربعین فی أصول الدین، قاهرة، مكتبة الكليات الأزهرية.
۲۰. _____، (۱۴۰۹ق)، عصمة الأنبياء، مكتبة الثقافة الدينية، بی جا، طبع جدید.
۲۱. _____، (بی تا)، عصمة الأنبياء، مكتبة الثقافة الدينية، بی جا، طبع قدیم.
۲۲. _____، (۱۴۲۰ق)، مفاتيح الغیب (التفسیر الكبير)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم، نشر هجرت.
۲۴. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۸)، تنزیه انبیاء از آدم تا خاتم، «تفسیر موضوعی قرآن کریم»، قم، مؤسسه انتشارات انمه (ع).
۲۶. _____، (۱۳۷۸)، التفسیر الاثری الجامع، قم، مؤسسه التمهید.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر الأخبار الأئمة الأطهار (ع)، بیروت، مؤسسة الوفاء.
۳۰. موسوی، سید عبدالحمید (۱۳۹۲)، عصمت پیامبر (ص) از دیدگاه قاضی عبدالجبار، فخر رازی و علامه حلی، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۳۱. ملاح، مدد علی (۱۳۸۵)، «نقد شبهات پیرامون عصمت پیامبر اکرم (ص) در قرآن»، مجله پژوهشنامه فلسفه و حکمت (طلوع نور سابق)، شماره ۲۰.
۳۲. نعمانی، عبد العزیز (۱۳۸۲)، «تحقیقی پیرامون عصمت پیامبران»، فصلنامه ندای اسلام، شماره ۱۴.
۳۳. هاشمی تنکابنی، سید موسی (۱۳۹۱)، عصمت، ضرورت و آثار، قم، مؤسسه بوستان کتاب.